

Identifying and Prioritizing the Social Problems and Harms in Ilam the Province

Ali Feizolahi

Corresponding Author, Assistant Professor in sociology, Faculty Member of Ilam University, Ilam, Iran. a.feizolahi@ilam.ac.ir

Khalil Kamarbeigi

MA in sociology, Management and Planning Organization of Ilam province. Ilam, Iran. kkamarbeigi@yahoo.com

Abstract

This study aims at identifying and prioritizing the social problems and harms in Ilam the province. The approach adopted is qualitative and in term of purpose it is categorized as an exploratory research which has been conducted by means of Delphi method. The statistical sample consisted of 40 specialists and experts of the province who were selected through purposive sampling and the data were collected and analyzed in three successive stages. Findings indicate that, from experts' standpoint, some problems such as poverty, inflation and livelihood troubles, unemployment of educated people, partisanship, low level of institutional trust, negative individualism, feelings of discrimination and injustice, drug addiction, social indifference, rising the age of marriage and celibacy, low level of social tolerance, suicide, street anger, divorce and collective conflict are of high priority. The results indicate the high importance and priority of the economic issues as the first and before the social ones and most of the issues in the province are related to the social and cultural macrostructure of society.

Keywords: *Delphi method, Social harm, Social problem, Public Culture Council, Ilam province*

شناسایی و اولویت‌بندی مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان ایلام

علی فیض‌اللهی

نویسنده مسئول، استادیار جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران
a.feizolahi@ilam.ac.ir

خلیل کمربگی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ایلام، ایلام، ایران
kkamarbeigi@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی و اولویت‌بندی مسائل و آسیب‌های اجتماعی در استان ایلام است. رویکرد این پژوهش از نوع مطالعات کیفی بوده و از لحاظ هدف در حیطه‌ی تحقیقات اکتشافی دسته‌بندی می‌شود که با استفاده از تکنیک دلفی انجام شده است. نمونه‌ی آماری آن ۴۰ نفر از متخصصان و خبرگان استان است که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند و داده‌ها نیز در سه مرحله، گردآوری و تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق، حاکی از در اولویت دانستن مسائلی نظیر فقر، تورم و تنگنای معیشتی، بیکاری تحصیل‌کرده‌ها، پارتی بازی، نازل بودن اعتماد نهادی، فردگرایی منفی، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، اعتیاد به مواد مخدر، بی‌تفاوتی اجتماعی، بالا رفتن سن ازدواج و مجرد، سطح پایین مدارای اجتماعی، خودکشی، خشم خیابانی، طلاق، نزاع جمعی از دیدگاه خبرگان است. نتایج تحقیق، نشان‌دهنده‌ی اهمیت بالا و اولویت مسائل اقتصادی و سپس اجتماعی بوده و بیشتر مسائل استان مربوط به ساختار کلان اجتماعی و فرهنگی جامعه است.

واژه‌های کلیدی: روش دلفی، آسیب اجتماعی، مسأله اجتماعی، شورای فرهنگ عمومی،

استان ایلام

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۶ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۲۹

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۸۷-۳۱۷

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز <http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/> است.

این تحقیق به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی و با استفاده از اعتبارات پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان انجام شده است.

مقدمه و بیان مسئله

در ادبیات جامعه‌شناسی به « هر نوع عمل فردی یا جمعی که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌شود» آسیب اجتماعی گفته می‌شود (عبداللهی، ۱۳۹۰) و زمانی رخ می‌دهد که طی آن، روند معمول زندگی بخشی از افراد جامعه از حالت طبیعی خارج شده و حالت بیمارگونه به خود می‌گیرد و وجدان جامعه از این وضعیت، احساس نامطلوب و نگران‌کننده‌ای دارد. مثلاً طلاق در ایران نه تنها از نظر فرهنگی یک آسیب تلقی می‌شود، بلکه به دلیل نرخ بالای آن یک مسئله‌ی اجتماعی نیز هست. یک آسیب اجتماعی وقتی که با فراتر رفتن از یک موقعیت محدود به کل جامعه سرایت کند، به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل می‌شود. در این وضعیت، ساختار کلی جامعه به چالش کشیده شده و زمینه‌ی بروز بحران را فراهم می‌آورد. مسئله‌ی اجتماعی می‌تواند زمینه‌ی وقوع آسیب‌های اجتماعی را فراهم کند، ولی الزاماً همیشه معادل آسیب اجتماعی نیست. هر مسئله‌ی اجتماعی ۱ هم به عنوان یک مشکل فردی و هم یک معضل اجتماعی تلقی می‌شود و عوامل فراوانی در ارتباط متقابل با یکدیگر، منجر به پیدایش و گسترش آن می‌شوند. «به طور معمول، مسائل اجتماعی به عنوان وضعیت‌های اجتماعی تصور می‌شوند که تعداد زیادی از مشاهده‌گران آنها را نامناسب و نیازمند به اصلاح می‌دانند» (Kendall, 2018) و برخی هم، مؤلفه‌های مسئله‌ی اجتماعی را «رنج‌آوری،

نامطلوبیت شرایط، مدعاسازی، کنش چاره اندیشانه، وجود گروه اقدام و اراده‌ی حل مسئله» می‌دانند (Horsfall, 2018). بر این اساس، می‌توان گفت که هر کدام از جوامع انسانی بنا به شرایط و وضعیت خاص خویش با مسائلی مواجه‌اند که عمدتاً ریشه در ساختارها و عملکرد نهادها و نیز ارتباط آنها با سایر جوامع دارد. لذا هر کدام از این جوامع بنا به وضعیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خاص خویش با اشکالی از مسائل اجتماعی روبرو می‌شوند که نیازمند بررسی دقیق و علمی آنها هستند. به دلیل برهم‌کنش و هم‌افزایی انواع مسائل اجتماعی در عرصه‌های واقعی حیات اجتماعی و روابط پیدا و پنهان این مسائل با یکدیگر و نقشی که مترکم و تلنبار شدن آنها در گسترش و وخیم شدن آثار و پیامدهایشان برای جامعه دارد، بررسی و شناخت آنها ضروری است. زیرا خسارت وارده بر پیکر جامعه و نهادهای آن از جانب آسیب‌ها و مسائل اجتماعی، نظام اجتماعی را در سطوح کلان با کژکارکردی و ناتوانی در ایفای نقش‌های اصلی خود مواجه ساخته و در سطح خرد نیز افزایش نگرانی‌های عمومی کنشگران اجتماعی را به همراه دارد. تداوم، ماندگاری فرساینده، تعاطی و هم‌آیندی مسائل اجتماعی در یک جامعه، هم موجب فرسایش روانی و کاهش اعتماد به نفس افراد می‌شود و هم تخریب اعتماد اجتماعی به سازمان‌های اجتماعی و نهادهای هدایت‌گر جامعه را در پی دارد و اوضاع جامعه را با بحران اجتماعی روبرو می‌سازد. چنانکه نتایج پیمایش‌های ملی، عناوین فراخوان همایش‌ها، گزارشات سازمان‌های اجرایی، برداشت عمومی جامعه و ... نشان می‌دهند که جامعه‌ی ایران از لحاظ وجود، گستره و تعدد مسائل و آسیب‌های اجتماعی در وضعیت مناسبی قرار ندارد و شرایط موجود زمینه‌های مناسبی را برای بروز، بازتولید و شیوع آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌کند. استان ایلام نیز به عنوان یکی از استان‌های محروم و غیربرخوردار کشور به دلیل «ویژگی‌هایی نظیر ساخت جمعیتی جوان و وضعیت خاص جغرافیایی منزوی و مرزی بودن» (فیض‌اللهی & بخارایی، ۱۳۹۷) و تجربه‌ی تخریب زیرساخت‌های آن در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با مسائل اجتماعی متعددی دست به گریبان است. محرز است که وجود و تعدد مسائل

اجتماعی، بر سر راه توسعه‌ی جامعه مانع ایجاد می‌نماید. کمبودها و نارسایی‌های عینی موجود در جامعه‌ی مورد مطالعه در حوزه‌های گوناگون، انعکاس پر دامنه‌ی مسائل استان در مطبوعات و رسانه‌های محلی، مجامع عمومی و برگزاری همایش‌های مختلف توسط دستگاه‌های مختلف در سالهای اخیر در استان بیانگر وجود، بروز و برساخت مسائل اجتماعی در استان است که خود را در قالب ادعاها، گفتمان‌ها و افکار عمومی جامعه نشان می‌دهد. البته در ایلام همچون سایر نقاط کشور، سازمان‌های مختلف در حوزه‌های مختلف اجتماعی فعالیت نموده و بخشی از منابع و بودجه‌های آنها صرف مقابله با مسائل و آسیب‌های اجتماعی می‌شود. اما علیرغم تلاش سازمان‌های مرتبط، نرخ بسیاری از این آسیب‌ها نه تنها کاهش نیافته بلکه سیر صعودی به خود گرفته‌اند. شاید بتوان حلقه‌ی مفقوده‌ی این ناکارآمدی را عدم شناخت صحیحی از مسائل اجتماعی استان و نیز فقدان اولویت‌بندی آنها دانست. برخی از سازمان‌های متولی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، تمامی توجه خود را بر تعداد معدودی از آسیب‌ها متمرکز نموده و احتمالاً شناخت مناسبی از آسیب‌ها و مسائل اصلی استان ندارند. از این رو فراوانی، تعدد، تنوع و گستردگی مسائل اجتماعی در استان و فقدان اجماع مدیران و متخصصان بر روی مسائل اجتماعی به طور کلی، و در مورد اولویت‌بندی بررسی آنها و فوریت مداخله و ارائه‌ی راه‌حل و تدوین برنامه‌ی مقابله‌ای به طور خاص، ضرورت انجام چنین تحقیقی را آشکار می‌سازد. بر این اساس شناسایی و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی در استان کمک شایانی به تحقق برنامه‌ریزی صحیح در مقابله با مسائل اجتماعی و جلوگیری از اتلاف منابع خواهد داشت و ضرورت اجرای این پژوهش را موجه می‌سازد.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف این تحقیق، شناسایی مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان، تعیین اولویت و تعیین سطح تحلیلی آنهاست. در همین راستا، مطالعه‌ی حاضر حول چند سؤال محوری تنظیم شده است:

مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان ایلام کدامند؟

کدام دسته از مسائل و آسیب‌های اجتماعی، اولویت بیشتری جهت حل شدن دارند؟

مسائل و آسیب‌های اجتماعی در استان بر اساس سطوح تحلیلی کلان، میانه و خرد در چه وضعیتی هستند؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

(معمدی، ۱۳۸۶) در مطالعه‌ای دریافت که بیکاری، اعتیاد، فقر، طلاق، خانواده نابسامان، سرقت، رشوه‌خواری، فحشا، ناهنجاری‌های آموزشی و دختران فراری، آسیب‌ها و مسائل اجتماعی دارای اولویت در ایران هستند. در پیمایشی ملی (تاجیک، ۱۳۸۶)، مسائل اجتماعی دارای اهمیت؛ اختلاف و چند دستگی در جامعه، پارتی بازی، اعتیاد، تبعیض، طلاق، بیکاری، ناامنی، بی‌توجهی به دین، گرانی، دزدی و کلاهبرداری بوده است. از نظر (رفیعی، مدنی قهفرخی، & وامقی، ۱۳۸۷)، اعتیاد، بیکاری، خشونت، بی‌اعتمادی اجتماعی، فقر اقتصادی، فساد، تبعیض اجتماعی، افزایش میزان جرایم، معضل ترافیک و عدم رعایت حقوق شهروندی، مشکلات در اولویت هستند. (یوسفی & اکبری، ۱۳۹۰) در مطالعه‌ای دریافتند که مسائل اقتصادی دارای بالاترین اهمیت و اولویت برای افراد جامعه‌ی ایرانی هستند. نتایج پیمایش (وزارت کشور، ۱۳۹۴)، بیانگر کم تا متوسط بودن انواع سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عام‌گرایی، عدالت، برابری و نیز ارزیابی بالا بودن رفتارهای منفی در بین مسئولان استان بوده است. (نایبی & لطفی‌خاچکی، ۱۳۹۴) نشان داده‌اند که در استان‌هایی که پیوندها و روابط خویشاوندی رو به سستی می‌نهد، آسیب‌های اجتماعی بیشتری گریبان‌گیر آن منطقه می‌شود. گزارش (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵)، نشان می‌دهد که پرخاشگری، خشونت و جنایت، خودکشی، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، روسپیگری، جرائم مالی، اقتصادی و سرقت نمونه‌هایی از آسیب‌های اجتماعی ایران امروز هستند. (کازمی & محمودی، ۱۳۹۵) در تحقیقی نشان دادند که استان ایلام با نرخ ۳۵٫۸ درصد جزو سه استان دارای نرخ مشارکت پایین است. (حبیبی، عیوضی، & معظمی‌گودرزی، ۱۳۹۶) در مطالعه‌ی «مسئله‌شناسی فرهنگی ایران» نشان داده‌اند که

مدیریت ناکارآمد فرهنگی، تزلزل نهاد خانواده و دروغ‌گویی از مهم‌ترین مسائل کشورند.

تحقیقات بررسی شده فوق‌عمدتاً حاصل تحلیل ثانویه‌ی مقالات یا بخشی از نتایج پیمایش‌هایی بوده‌اند که کانون اصلی بررسی آنها مسائل اجتماعی نبوده است، اما در تحقیق حاضر اطلاعات ارائه شده محصول یک مطالعه میدانی با استفاده از روش دلفی و مصاحبه با صاحب‌نظران و مدیران استان بوده است که در نوع خود دارای ارزش علمی است.

۳. مبانی نظری

تعریف مسئله‌ی اجتماعی، همچون سایر مفاهیم علوم اجتماعی با دشواری‌هایی نظیر دیدگاه نظری پژوهشگر و تفاوت در تعاریف مسئله از منظر پارادایم‌های مختلف علمی مواجه است. از سوی دیگر، اینکه چه چیزی به عنوان مسئله‌ی اجتماعی، تعیین و یا تعریف شود نیز با دشواری مواجه است. مثلاً تعریف و تعیین یک موضوع به عنوان مصداق مسئله‌ی اجتماعی ممکن است از دیدگاه گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی یا نخبگان حوزه‌های مختلف در معرض مناقشه قرار گیرد و چیزی را که یک گروه مسئله می‌داند، گروهی دیگر، نظری بر خلاف آن داشته باشد و وقتی که هر گروه تعریفی خاص و متفاوت از مسئله‌ی اجتماعی ارائه کند، امکان توافق بر سر راه حل‌ها هم دشواری خاص خود را خواهد داشت. زیرا، «مردم، مسائل را به شیوه‌های متفاوتی می‌بینند» (Rowmire, 2001). چنانکه در مباحثه‌ها و مناقشه‌های جاری چند سال اخیر در بین گروه‌های سیاسی در جامعه‌ی خودمان، دولت و برخی از گروه‌های سیاسی، معاهده‌ی برجام را راه حلی برای فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی کنونی و گروهی دیگر، خود برحام را مسئله تلقی می‌کنند و از همین روست که می‌توان گفت که راه حل یک فرد یا گروه ممکن است، برای فرد یا گروه دیگری مسئله باشد و حتی یک راه حل ممکن است، خودش تبدیل به مسئله‌ی دیگری شود. همچنین، برخی دیگر بر آنند که مسائل اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی‌ای هستند که مانع تغییر در یک وضعیت خاص در جهت رسیدن به یک وضعیت مطلوب، هم از نظر ساختاری و هم به لحاظ کنشی

می‌شوند و مانع تحقق اهداف و نیز تهدید کننده‌ی ارزش‌ها و کمال مطلوب آنها می‌شوند. در جامعه‌شناسی هر رویکردی، مبتنی بر مفروضه‌هایی در مورد نحوه‌ی عملکرد جامعه و جهت‌گیری‌های ترجیحی جهت حل مسائل اجتماعی است. این رویکردها را می‌توان به لنزهای مختلف دوربین‌های عکس‌برداری تشبیه کرد که هر کدام پرتوی خاص و یکتایی از واقعیت واحدی را ارائه می‌دهند و با وجود تفاوت‌های عمده‌ای که در نحوه‌ی ارائه‌ی واقعیت دارند، اما همه آنها تنها روی همان موضوع از مناظر مختلفی تمرکز می‌کنند و از همین روی جهت‌گیری‌های کلان و خرد، ابزارهای تحلیلی معتبری برای تحلیل نمودن همان مسئله اجتماعی یا مسائل مشابه هستند و به همین منظور، می‌توان عصاره‌ی دیدگاه‌های جامعه‌شناسی نسبت به مسئله اجتماعی را در جدول زیر نشان داد. چنانکه اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد، در حوزه‌ی جامعه‌شناسی، رویکردهای متعددی نسبت به علت، راه حل و حتی مصادیق مسائل اجتماعی وجود دارد که به طور خلاصه مطرح شده‌اند.

جدول ۱. خلاصه‌ی مقایسه‌ای رویکردهای نظری در مورد مسائل اجتماعی

نظریه	علت مسائل اجتماعی	راه‌حلها	نظریه پردازان
رویکرد بی‌سازمانی	تغییرات اجتماعی ناشی از مهاجرت، شهرنشینی و تکنولوژی	کاستن از سرعت تغییرات، بازتعادل بخشی به نظام اجتماعی	آگبرن، کولی، تامس و زنانیکی، پارک
کارکردگرایی ساختاری ^(۱)	تغییر اجتماعی سریع، بی‌سازمانی اجتماعی که هماهنگی و تعادل نظام اجتماعی را از هم می‌گسلد، جامعه‌پذیری ناکافی و نهادهای ضعیف	بازسازی نهادهای ضعیف، جامعه‌پذیری مناسب و مطمئن، پرورش یک حس جمعی قوی از درست و نادرست	پارسونز
رویکرد کج‌رفتاری ^(۲)	جامعه‌پذیری نامتناسب، فرصت اندک برای دستیابی به اهداف مشروع، احساس فشار	ساختار باز فرصت‌ها برای همگان، کاهش تماس گروه اولیه مهم با الگوهای رفتاری نامشروع	مرتن، کوهن، کلیوارد و اوهلین، ساترلند
نظریه‌ی تضاد	نابرابری؛ سلطه‌ی گروه‌هایی از افراد بر گروه‌های دیگری از مردم، ستم و استثمار، رقابت بین گروه‌ها. نابرابری طبقاتی (مارکسیسم)، نژادی (چندفرهنگ‌گرایی) و جنسیت (فمینیسم)	به حداقل رساندن رقابت؛ ایجاد یک نظام منصف برای توزیع منابع.	مارکس، انگلس، فمینیستها
رویکرد تضاد ارزشها ^(۳)	تضاد ارزشها یا منافع	توافق، معامله و زور	فولر و مایرز، فرانک
رویکرد انتقادی	شکل سازمان اجتماعی جامعه‌ی	اصلاح یا انقلاب جهت ایجاد	ریچارد کوبینی، اولین

نظریه	علت مسائل اجتماعی	راه حلها	نظریه پردازان
تعامل‌گرایی نمادین (۴)	سرمایه‌داری موجد دامنه‌ی وسیعی از مسائل اجتماعی است. نظام سلطه‌ی طبقاتی مسئله‌ی اجتماعی جرم را ایجاد و حفظ می‌کند. تفاسیر متفاوت از نقشها؛ برچسب‌زنی افراد، گروهها یا رفتارها به عنوان منحرف؛ تعریف یک وضعیت عینی به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی، توجه مردم یا عوامل کنترل اجتماعی به یک موضوع. فعالیت‌های تعریف مسئله که مردم به هنگام تلاش برای جبران ناراضی‌تی خود بدانها مشغولند. ادعاسازی، مطالبه، شکایت و تعامل بین شاکیان و پاسخگویان به مطالبات آنها	کاهش تأثیر برچسب‌زنی و بدنام‌سازی مربوطه؛ اصلاح تعاریف آنچه که بعنوان مسئله‌ی اجتماعی تعریف شده است و از بین رفتن سود انگ زنها.	رید
برساخت‌گرایی اجتماعی (۵)	راه حل ارائه نمی‌دهد و آن را در گروه تحقیق می‌داند.	راه حل ارائه نمی‌دهد و آن را در گروه تحقیق می‌داند.	کیتسوز، اسپکتور، بست

(تلفیق با اقتباس از: (Mooney, Knox, & Schacht, 2016), (Parillo, 2005), (رابینگتن & واینبرگ, ۱۳۸۳)،

(Eitzen, Zinn, & Smith, 2012), (Macionis, 2012)

۳-۱. جمع‌بندی مبانی نظری

به طور خاص در این تحقیق، مسئله‌ی اجتماعی به هر گونه وضعیت یا موقعیتی اشاره دارد که خبرگان و متخصصان مورد پرسش (اعضای دلفی)، از آن رو که آن وضعیت به زندگی مردم لطمه می‌زند یا انتخاب‌هایشان را محدود می‌نماید، آن را به عنوان مسئله‌ای اجتماعی تعیین کرده باشند و این امر حکایت از اتخاذ دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی برای تعریف مسئله‌ی اجتماعی در این پژوهش دارد. از این روی، از دیدگاهی برساخت‌گرایانه، وجود یک مسئله براساس نوع نگاه و برخورد افراد ساخته می‌شود. البته چگونگی این تعریف و خصوصاً کسانی که تعریف را ارائه می‌دهند، «در ارزیابی یک موضوع خاص، در موقعیت خاص و تبدیل آن به مسئله‌ی اجتماعی از طریق ادعاسازی نقش مهمی دارد» (Best, 2017). به عبارتی، دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی بر آن است که واقعیت اجتماعی، متکی بر تعابیر کنشگران، برساختن و تفسیر فعالیت‌های جمعی آنهاست و احتمال از جامعه نیز، چنین تعبیری دارند. لذا ادعاسازی، مطالبه، شکایت و همچنین فعالیت‌های تعریف مسئله را در معرفی، شناساندن و برساخت مسئله‌ی

اجتماعی مهم می‌دانند و منشاء مسئله‌مند شدن و مسئله تلقی شدن یک موضوع را در گرو چنین فعالیتی می‌دانند و مسئله اجتماعی را وضعیت‌هایی می‌دانند که به لحاظ اجتماعی، «پر دردسر و قابل تغییر یا نیازمند تغییر» (رابینگتن & واینبرگ، ۱۳۸۳) تعریف شده‌اند. به طور کلی، رویکرد برساخت‌گرایی اظهار می‌دارد که مسائل اجتماعی مبنای ذهنی دارند و قضاوت‌های افراد در مورد جهان اجتماعی خودشان را بازتاب می‌دهند. در این تحقیق، به تاسی از دیدگاه برساخت‌گرایی، مسائل اجتماعی به عنوان وضعیت‌های اجتماعی‌ای تلقی می‌شوند که تعداد زیادی از مشاهده‌گران و متخصصان مورد پرسش (اعضای دلفی) آنها را نامناسب و نیازمند به اصلاح می‌دانند یا اصطلاحاً به عنوان مسئله‌ی اجتماعی برساخت‌نموده‌اند. لذا، مسئله‌ی اجتماعی برآمده از ادراک و فهم متخصصان و خبرگان مورد پرسش در جریان این تحقیق از مسئله‌مند بودن یک وضعیت خاص است و علاوه بر بهره بردن از مؤلفه‌های دیدگاه برساخت‌گرایی، برای شناسایی و مسئله تلقی کردن این موضوعات، از معیارهای دیگری نیز در جریان تعیین اولویت مسائل اجتماعی استفاده شده است.^(۱)

۴. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع مطالعات کیفی است و از نظر هدف در حیطه‌ی مطالعات اکتشافی^۱ دسته‌بندی می‌شود که با استفاده از تکنیک دلفی^۲ انجام شده است. انتخاب این روش در این مطالعه مبتنی بر دلایلی است که شایسته‌ی توضیح‌اند؛ روش دلفی نوعی مصاحبه‌ی گروهی بسیار ساختار یافته است که با هدف به دست آوردن پاسخ‌هایی متکی بر اجماع گروهی از متخصصان، مورد استفاده قرار می‌گیرد. تکنیک دلفی، عمدتاً در جایی که پیچیدگی و تحقیقات گذشته‌اندکی وجود دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد (Story, Hurdley, Smith, & Saker, 2000). در این روش، با هدف دستیابی به اجماع بین گروه از یک فرایند پرسشنامه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. چهار ویژگی کلیدی روش دلفی عبارتند از: »

1. Exploration

2. Delphi's Technique

گمنامی، تکرار، کنترل نمودن بازخورد، و تجمیع آماری پاسخهای گروه» (Rowe & Wright, 1999).

در اولین مرحله با استفاده از پرسشهای باز پاسخ، قضاوت‌های خبرگان منتخب گردآوری شده و پس از استخراج داده‌ها بر اساس نظرات خبرگان، پرسشنامه‌ای بسته پاسخ، طراحی و برای پاسخگویان ارسال گردید. در هر بار تکرار، بازخورد^۱ کنترل شده‌ای ارائه گردید که اعضا از نظرات همکاران ناشناس خود مطلع شدند. بازخوردها تحت عنوان محاسبه‌ی ضریب توافق یا اجماع خبرگان توسط پرسشنامه‌ی پالایش شده‌ی بسته پاسخ ارسال می‌شد. بدین ترتیب، «گمنامی» و «بازخورد نظرات» دو عنصر ضروری در روش دلفی تلقی می‌گردند. یکی از مزایای این روش این است که کارشناسان و متخصصان، زمانی که به واسطه‌ی دلایلی قانع‌کننده به اشتباه بودن نظر خود پی بردند، بدون از دست دادن اعتبار و وجهه‌شان می‌توانند در نظرات خود تجدیدنظر نمایند (قدیری & ناظمی، ۱۳۸۵). برای ارزیابی کیفیت تحقیق از تکنیک‌های اعتبار پاسخگو و غوطه‌وری محقق برای اعتمادپذیری و از اجماع خبرگان برای پایایی استفاده شد. برای انتخاب اعضای دلفی با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی^۲ به تهیه‌ی فهرستی ۱۳۷ نفره از افراد صاحب‌نظر اقدام شد و نمونه‌ای ۵۵ نفری انتخاب شد که ۴۷ نفر پرسش‌نامه‌ی اولیه را تکمیل و عودت دادند. در پرسش‌نامه دوم، معیارها و مسائل اجتماعی در قالب طیف ۵ سطحی لیکرت در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss تحلیل شده و اولویت‌بندی معیارها و مسائل اجتماعی با توضیحات کامل در اختیار مشارکت‌کنندگان گذاشته شد. در این مرحله نیز تعداد ۴۳ پرسش‌نامه جمع‌آوری شد، ولی اطلاعات ۴۰ پرسش‌نامه استخراج گردید. اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه سوم نیز با کمک نرم‌افزار spss تحلیل و اولویت‌بندی شده است.

1. feedback

2. Snowball Sampling Method

۴-۱. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر، جهت پردازش داده‌ها از آمار توصیفی، شامل محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده شد و برای محاسبه‌ی میانگین رتبه‌ی مسائل و آسیب‌های اجتماعی از آزمون دلیو کندال^۱ استفاده شد که به عنوان یک ضریب توافق، به سنجش میزان توافق رتبه‌ها در بین مشارکت‌کنندگان می‌پردازد. نتایج آزمون دلیو کندال، به ما نشان می‌دهد که تفاوت در میانگین رتبه‌ها معنادار است یا خیر؟ و علاوه بر معناداری، رتبه‌بندی را نیز انجام می‌دهد.

۵. یافته‌های پژوهش

چنانکه پیشتر اشاره شد، پرسش‌نامه‌ای در دو بخش جداگانه، شامل انتخاب معیارهای تعیین مسئله و نیز بخش شناسایی مسائل اجتماعی در اختیار اعضای دلفی قرار داده شد تا در مقابل هر معیار، اهمیت آن را در تعیین مسائل اجتماعی در قالب طیفی پنج سطحی از بسیار کم تا بسیار زیاد ارزش‌گذاری کنند. از بین معیارهای متعدد مطرح شده در این تحقیق، بر اساس نمرات میانگین و آزمون فریدمن رتبه‌بندی به عمل آمد که تعداد، ۱۸ معیار، شامل همخوانی با نتایج مطالعات پیشین، حساسیت مردم، حساسیت مدیران، میزان شیوع، میزان تأثیر بر سایر آسیبها، میزان استمرار، میزان تأثیرگذاری، مداخله‌پذیر بودن، مغایرت با مقررات جاری، ناهمخوانی با هنجارهای جامعه، پذیرش کارشناسان، مقایسه‌پذیری، ماندگاری نتایج، وجود اطلاعات، میزان بروز سالانه، فوریت اقدام برای حل شدن، مغایرت با امنیت عمومی و تأثیر بر روند توسعه، بالاترین درصدها را به خود اختصاص داده و برای شناسایی مسائل و آسیب‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. لذا، بر اساس معیارهای ۱۸ گانه‌ی حاصل از نظرخواهی از اعضای دلفی، ۸۰ مسئله و آسیب اجتماعی شناسایی گردید که پس از محاسبه‌ی درصدها و نمرات میانگین، انتخاب شده و در جدول ذیل نشان داده شده‌اند.

1. Kendall's W Ranks

جدول ۲. مسائل اجتماعی مستخرج از مرحله‌ی اول (به ترتیب درصد از نظر پاسخگویان)

درصد	آسیب	درصد	آسیب	درصد	آسیب
۶	کاهش گفتگو در خانواده	۱۴	احساس تبعیض و بی‌عدالتی	۷۱	اعتیاد به مواد مخدر
۶	افزایش صیغه موقت	۱۴	کیفیت پایین نان	۶۰	طلاق و بالا بودن نرخ رشد آن
۶	مزاحمت‌های خیابانی	۱۴	وجود فاصله طبقاتی زیاد	۵۴	بیکاری تحصیل‌کردگان
۶	کاهش احساس امنیت اجتماعی	۱۴	افزایش زنان سرپرست خانوار	۵۴	نزاع‌های فردی و جمعی
۶	الواطی‌گری	۱۴	فقدان امکانات گذران اوقات فراغت	۵۴	خشونت، پرخاشگری و وندالیسم
۳	اختلافات درون خانوادگی	۱۱	گران‌فروشی و عدم نظارت	۴۳	خودکشی
۳	کم‌توجهی به قوانین رانندگی	۱۱	کم‌توجهی خانواده‌ها به بعد تربیتی	۴۳	تخلفات و جرائم رانندگی
۳	فرار از منزل	۱۱	رانت‌خواری	۴۰	بی‌تفاوتی اجتماعی
۳	رقابت شدید در مال‌اندوزی	۱۱	آشفته‌گی کانون خانواده	۳۴	کاهش میزان اعتماد اجتماعی
۳	تهیه و مصرف مشروبات الکلی	۱۱	میزان بالای تصادفات رانندگی	۳۴	سطح پایین مدارای اجتماعی
۳	تنزل ایثار و روحیه‌ی ایثارگری	۱۱	کودکان کار و خیابانی	۳۱	قانون‌گریزی
۳	دستیابی به موفقیت بدون تلاش	۱۱	قانون‌گریزی	۳۱	فقر و مشکلات معیشتی
۳	احساس کاذب فقر و نداری	۱۱	شیوع روابط غیرشرعی بین جوانان	۳۱	تورم و کاهش قدرت خرید
۳	ازدواج‌های اتفاقی و بدون شناخت	۱۱	میزان مصرف سیگار و قلیان	۲۹	رابطه‌گرایی (پارتنری‌بازی)
۳	مهریه‌ی بالا	۹	کودک‌آزاری	۲۹	فردگرایی منفی
۳	نامطلوب بودن سامان شهری	۹	قتل و دگرکشی	۲۶	انحرافات جنسی
۳	تکدی‌گری	۹	اختلاس‌های دولتی	۲۶	مهاجرت درون و برون استانی
۳	کاهش جمعیت و فرزندآوری	۹	کاهش خودباوری عمومی	۲۱	تبلی، بیکاری و ولگردی
۳	همبازی (ازدواج سفید)	۹	تجسس در حریم خصوصی افراد	۲۰	انواع سرقت
۳	فقدان تأمین اجتماعی مناسب	۹	کودک‌همسری	۲۰	نازل بودن اعتماد نهادی
۳	تمایل به تغییر جنسیت در دختران	۹	همسرآزاری	۲۰	فرسایش سرمایه اجتماعی
۳	ضعف جامعه مدنی	۹	اوباشگری (عربده‌کشی)	۱۷	رشوه‌خواری و رشوه‌گیری
۳	پایین بودن میزان نظم اجتماعی	۹	چاقوکشی و قمه‌کشی	۱۷	حاشیه‌نشینی و سکونت غیررسمی
۳	ناکارآمدی هنجارهای اجتماعی	۶	پایین بودن میزان توجه به سالمندان	۱۷	شیوع ارتباط فرازناشویی
۳	کاهش احساس تعلق اجتماعی	۶	گسترش نارضایتی‌های عمومی	۱۷	اعتیاد به شبکه‌های مجازی
		۶	پایین بودن سطح مهارت زندگی	۱۷	افزایش سن ازدواج و تجرد قطعی
		۶	کلاهبرداری	۱۷	طلاق عاطفی

سوال اول این تحقیق که بایستی بدان پاسخ روشنی داده شود این است که مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی ایلام کدامند؟ در پاسخ بدین سؤال چند

مرحله بایستی طی می‌شد تا به پاسخ روشنی برای این سؤال رسید و چنانکه در جدول شماره فوق نشان داده شده، استان ایلام با مسائل و آسیب‌های اجتماعی فراوانی مواجه است. لذا در مرحله‌ی دوم، از بین مسائل شناسایی شده بر اساس معیارهای هشت‌گانه، مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی که موضوع پاسخ سؤال اول تحقیق است، تعیین شده‌اند و بنا بر این اطلاعات جدول شماره‌ی ۳، مسائل و آسیب‌های اجتماعی را که دارای بالاترین میانگین هستند را نشان می‌دهد. این مسائل، حاصل ارزیابی و رتبه‌بندی در مرحله‌ی دوم دلفی و بر اساس ۸ معیار، منتخب توسط اعضای دلفی بوده‌اند که بر اساس نمرات میانگین و آزمون فریدمن از هر دوی معیارها و مسائل اجتماعی، رتبه‌بندی به عمل آمده است. این معیارها شامل میزان شیوع، میزان تأثیرگذاری، تأثیر بر سایر آسیب‌ها، میزان استمرار، تأثیر بر روند توسعه، مداخله‌پذیر بودن، حساسیت مردم و فوریت اقدام برای حل شدن هستند. لذا بر اساس معیارهای فوق و نمره میانگین و مطابق رتبه‌ها، ۳۰ مسئله اجتماعی مهم و دارای اولویت احصاء شده است.

جدول ۳. نمره‌ی میانگین و رتبه مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی بر اساس معیارهای ۸ گانه در

مرحله‌ی دوم

رتبه	میانگین	مسئله اجتماعی	رتبه	میانگین	مسئله اجتماعی
۱	۶۸,۲۲	بیکاری تحصیل کرده‌ها	۱۶	۵۲,۵۴	قانون‌گریزی
۲	۶۳,۹۵	تورم و کاهش قدرت خرید مردم	۱۷	۵۲,۴۱	نزول میزان اعتماد اجتماعی
۳	۶۳,۶۹	رابطه‌گرایی (پارتی‌بازی)	۱۸	۵۲,۰۳	مهاجرت درون استانی و برون استانی
۴	۶۳,۲۰	اعتماد به مواد مخدر سنتی و صنعتی	۱۹	۵۱,۷۸	فرسایش سرمایه اجتماعی
۵	۶۱,۹۵	خشونت علیه خود(خودکشی)	۲۰	۵۱,۶۱	تبلیغ، بیگاری و ولگردی
۶	۵۹,۵۶	گران‌فروشی و نبود نظارت	۲۱	۵۰,۰۶	فردگرایی منفی
۷	۵۹,۰۶	فقر و مشکلات معیشتی	۲۲	۴۹,۶۴	رشوه‌خواری و رشوه‌گیری
۸	۵۸,۸۶	بی‌تفاوتی اجتماعی	۲۳	۴۸,۷۱	قانون‌گریزی
۹	۵۸,۱۱	نزاع‌های فردی و جمعی	۲۴	۴۸,۳	فقدان امکانات گذران اوقات فراغت
۱۰	۵۷,۸۳	طلاق و بالا بودن نرخ رشد آن	۲۵	۴۷,۶۸	حاشیه‌نشینی و سکونت غیررسمی
۱۱	۵۵,۸۹	پایین بودن تحمل و مدارا در بین مردم	۲۶	۴۶,۶۹	گسترش نارضایتی‌های عمومی
۱۲	۵۵,۶۹	خشونت، پرخاشگری و وندالیسم	۲۷	۴۶,۶۳	رانت‌خواری و سوءاستفاده از بیت‌المال
۱۳	۵۳,۶۴	احساس تبعیض و بی‌عدالتی	۲۸	۴۶,۵۹	اعتماد به شبکه‌های مجازی
۱۴	۵۲,۷۸	نازل بودن اعتماد نهادی	۲۹	۴۶,۱۹	میزان مصرف سیگار و قلیان
۱۵	۵۲,۵۸	افزایش سن ازدواج و تجرد قطعی	۳۰	۴۵,۶	پایین بودن سطح مهارت‌های زندگی

بر اساس اطلاعات جدول ۳، انواعی از مسائل اجتماعی با صبغه فرهنگی، اقتصادی و ... شناسایی شده‌اند که بیشترین توافق بر روی مسائلی همچون معضلات اقتصادی، اعتیاد، انواع خشونت، فرسایش انواع اعتماد و سرمایه اجتماعی و از این قبیل پدیده‌های رفتاری در سطح فردی یا جمعی بوده است که نشانگر وجود مسائل و آسیب‌های اجتماعی متعددی در حوزه‌های مختلف اجتماعی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در استان است.

جدول ۴. آمارهای مربوط به ۱۵ مسئله اجتماعی دارای اولویت، مرحله سوم

مسئله	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	میانگین کدال
فقر	۴۰	۴,۵۳۱۳	/۴۶۹۲۰	۳,۳۸	۵,۰۰	۱۲,۲۵
تورم و تنگنای معیشتی	۴۰	۴,۵۳۷۵	/۴۹۵۳۳	۳,۰۰	۵,۰۰	۱۲,۰۸
بیکاری تحصیل کرده‌ها	۴۰	۴,۵۲۵۰	/۴۰۴۵۰	۳,۶۳	۵,۰۰	۱۱,۹۴
هتجارشدن رابطه‌گرایی (پارتی‌بازی)	۴۰	۴,۲۴۰۶	/۵۷۲۰۴	۲,۸۸	۵,۰۰	۹,۹۰
نازل بودن اعتماد نهادی (اعتماداپیین به سازمانها)	۴۰	۴,۲۸۴۴	/۵۹۳۷۶	۳,۰۰	۵,۰۰	۹,۸۴
فردگرایی منفی و منفعت طلبی	۴۰	۴,۱۷۸۱	/۶۵۶۵۱	۲,۵۰	۵,۰۰	۹,۷۵
احساس تبعیض و بی‌عدالتی	۴۰	۴,۲۵۳۱	/۵۳۶۹۸	۳,۱۳	۵,۰۰	۹,۷۴
اعتیاد به مواد مخدر	۴۰	۳,۸۹۳۷	//۸۰-۴۲	۲,۶۳	۵,۰۰	۶,۸۸
بی‌تفاوتی اجتماعی	۴۰	۳,۸۱۵۶	/۵۳۸۵۷	۲,۵۰	۴,۷۵	۶,۶۵
بالارفتن سن ازدواج و مجرد	۴۰	۳,۷۲۸۱	/۷۴۷۸۰	۱,۰۰	۵,۰۰	۶,۳۵
سطح پایین مدارای اجتماعی	۴۰	۳,۷۳۱۳	/۶۳۰۷۷	۲,۷۵	۴,۸۸	۵,۶۰
خودکشی	۴۰	۳,۶۷۸۱	/۷۲۱۶۳	۲,۰۰	۵,۰۰	۵,۵۸
خشم خیابانی	۴۰	۳,۶۳۴۴	/۶۴۸۲۱	۲,۰۰	۵,۰۰	۵,۳۹
میزان بالای طلاق	۴۰	۳,۵۸۱۳	/۷۷۷۰۵	۱,۰۰	۴,۷۵	۴,۸۱
نزاع‌های جمعی	۴۰	۳,۳۰۳۱	/۶۲۰۷۵	۱,۸۸	۴,۷۵	۳,۲۶

در پاسخ به سؤال دوم، مبنی بر اینکه کدام دسته از مسائل و آسیب‌های اجتماعی اولویت بیشتری جهت حل شدن دارند و مطابق هدف تحقیق، در مرحله سوم بر اساس خواسته‌ی دستگاه اجرایی، تعدادی از مسائل اجتماعی که بر اساس میانگین نمرات حاصل از پرسش‌نامه‌ی دوم، مشخص شده بودند بر اساس ۳ معیار برگزیده‌ی اعضای دلفی شامل «میزان اثرگذاری و پیامد، میزان استمرار و تداوم، فوریت حل شدن» ارزیابی شده‌اند تا مهم‌ترین مسائل اجتماعی دارای اولویت برای حل شدن، تعیین و اولویت‌بندی شوند. در این مرحله برای تعیین نهایی

اینگونه از مسائل اجتماعی، از آزمون کندال استفاده شد. نتایج حاصل از تلخیص، جمع‌بندی و رتبه‌بندی ۱۵ مسئله‌ی اول و در اولویت استان، جهت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی براساس فوریت داشتن حل آنها در قالب جدول شماره‌ی ۴ عرضه شده است. اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، مسائل اقتصادی دارای بالاترین اولویت بوده‌اند. فقر، تورم، تنگنای معیشتی و نیز بیکاری تحصیل‌کردگان از مهم‌ترین مشکلات مردم هستند. بدیهی است تا زمانی که مسائل مربوط به معیشت و بقاء دغدغه‌ی اصلی مردم است و مردم در تلاش برای رفع تنگنای زندگی روزمره‌ی خود باشند، مسائل فرهنگی و سیاسی در اولویت پایین‌تری قرار دارند و اطلاعات جداول ۴ مؤید آن است.

جدول ۵. سطح تحلیل و واحد تحلیل مسائل منتخب استان

مسائل اجتماعی	واحد تحلیل	سطح تحلیل
رشد فزاینده‌ی طلاق، اعتیاد به مواد مخدر، بالارفتن سن ازدواج و تجرد، فقر، تورم و تنگنای معیشتی، بیکاری تحصیل‌کرده‌ها،	ساختار	کلان
خودکشی ^(۷) ، نزاع‌های جمعی، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، نازل بودن اعتماد نهادی (اعتماد پایین به نهادها و سازمانها)، هنجارشکنی رابطه‌گرایی (پارتنری بازی) ^(۸) ، بی‌تفاوتی اجتماعی و سطح پایین مدارای اجتماعی	سازمان/ نهاد	میانه
فردگرایی منفی، منفعت طلبی و خشم خیابانی	فرد / گروه	خرد

در راستای پاسخ به سؤال سوم مبنی بر اینکه مسائل و آسیب‌های اجتماعی در استان بر اساس سطوح تحلیلی (کلان، میانه و خرد) در چه وضعیتی هستند؟ پانزده مسئله‌ی اجتماعی منتخب بر اساس سطوح و واحد تحلیل در جدول ۵ دسته‌بندی شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ریشه‌ی بخشی از مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان نظیر اعتیاد، تجرد، تورم، بیکاری و تا حدودی فقر در سطح کلان قرار دارد و عمدتاً، متأثر از ساختار کلان جامعه هستند و کمتر منشاء صرفاً محلی دارند و با روند کلی تحولات و آسیب‌های اجتماعی کل کشور ارتباط دارند و ارائه‌ی هرگونه راه حل برای آنها، منوط به سیاستگذاری عمومی در سطح ملی است و اطلاعات جدول فوق نتایج این سطح‌بندی را نشان می‌دهد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این مطالعه، شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی بوده است و در همین راستا مطالعه‌ی حاضر در دو سطح شناسایی و تعیین اولویت و همچنین تعیین سطح و واحد تحلیل، انجام و سازماندهی شده است. نتایج کدگذاری و استخراج داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ی باز پاسخ، منجر به شناسایی ۸۰ مسئله‌ی اجتماعی شده است که با استفاده از پرسشنامه‌ای بسته پاسخ، در مرحله‌ی دوم بر اساس ۸ معیار و در مرحله سوم بر اساس ۳ معیار، نسبت به اولویت‌بندی آنها اقدام شده است.

مسائل اجتماعی مطرح شده در این تحقیق، بیشتر بر ذهنیت، پنداشته‌ها و نظرات متخصصان و مدیران دستگاه‌های اجرایی متکی است و البته به دلیل اشراف مدیران و صاحب‌نظران بر مسائل و روندهای اجتماعی در استان و نیز همخوانی بسیاری از مسائل اجتماعی مزبور با تحقیقات انجام گرفته در استان و نیز میزان هم‌پوشانی این مسائل با اطلاعات استانی پیمایش‌های ملی در سطح بالایی قرار دارد به گونه‌ای که مسائلی نظیر فقر، بیکاری، تورم و گرانی، اعتیاد، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، خشونت و قانون‌گریزی در سه پیمایش ملی^(۹) (سرمايه اجتماعی ۱۳۹۲، آسیبه‌های اجتماعی ۱۳۹۳ و پیمایش ارزشها و نگرشها، ۱۳۹۴) نیز از جمله مسائل اجتماعی مورد تأکید و نیازمند حل شدن در سطح استان بوده‌اند و در تحقیق حاضر نیز از جمله مسائل مهم مورد تأکید از نظر پاسخگویان در مراحل مختلف دلفی بوده‌اند. همچنین، نتایج تحقیقات پیشین در حوزه‌ی مسائل اجتماعی استان، مؤید مسائل مطرح شده در این تحقیق است. از جمله اینکه تحقیقات مرتبط با خودکشی، «بالاترین میزان شیوع خودکشی را در بین جمعیت مردان استانهای همدان، لرستان و ایلام و در بین زنان نیز بالاترین میزان شیوع آن را در استان ایلام گزارش کرده‌اند» (فیض‌اللهی، ۱۳۸۹) و «روند آمارهای خودکشی در استان همچنان سیر صعودی دارد» (فیض‌اللهی، ۱۳۸۹)، (جمشیدزاده، رفیعی، یاسمی، رحیمی، & اعظم، ۱۳۸۳)، (موسی‌نژاد & باپیری، ۱۳۹۰) و (سفیری & رضایی‌نسب، ۱۳۹۵). در زمینه‌ی اعتیاد نیز نتایج مطالعات مربوطه بیانگر آن است

که اعتیاد در استان دارای روندی تصاعدی بوده و رشد آن در دهه‌ی ۷۰ آغاز و در دهه‌ی ۸۰ سرعت گرفته و نوعی جابجایی از مصرف مواد سنتی به سمت مواد مخدر جدید صنعتی و آشپزخانه‌ای در دهه‌ی ۹۰ رخ داده است» (فیض‌اللهی & باپیری، ۱۳۹۳). همچنین برآورد شده است که درصد معتادان نسبت به کل جمعیت ۱۵ سال به بالای شهرستان حدود ۱۰ درصد است» (دانش، فیض‌اللهی، & حیدری، ۱۳۹۴). همچنین نسبت اعتیاد به جمعیت ۱۵ سال به بالای مردان، رقم ۷/۷ درصد است که بسیار بالاتر از میانگین کشوری و جهانی است» (فیض‌اللهی & باپیری، ۱۳۹۳). همچنین، نرخ بیکاری نیز با «۱۷/۲ درصد و نرخ مشارکت اقتصادی با ۳۵/۸» (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳). همچنین، روند صعودی تعداد طلاقهای ثبت شده در استان قابل ذکر است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۳). در زمینه‌ی تعداد پرونده‌های جرائم خشن در دادگاه‌های استان در برخی بازه‌های زمانی، رتبه پنجم کشور را داشته است (زارع & زندی لک، ۱۳۹۰)، (فیض‌اللهی، معیدفر، دانش، & ملکی، ۱۳۹۹)، (یوسفوند، احمدی، محسنی تبریزی، & ابوالحسنی، ۱۳۹۴). همچنین (قاسمی & کمریگی، ۱۳۹۶) نشان داده‌اند که مسئله‌ی نزاع بین فردی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ یکی از سه مسئله‌ی اصلی استان به شمار می‌رفته است و استان ایلام طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ با روند افزایشی در مسئله‌ی نزاع و درگیری بین فردی مواجه بوده است. در این پژوهش نیز همانند پژوهش (یوسفی & اکبری، ۱۳۹۰) مسائل اقتصادی دارای بالاترین اهمیت است. مستندات فراهم آمده و متکی بر تحقیقات پیشین در زمینه‌ی مسائل عمدتاً اجتماعی استان با نتایج مطالعه‌ی حاضر همداستان‌اند. گو اینکه بسیاری از این مسائل تحت تأثیر روندهای جهانی شدن و مدرنیزاسیون اجتناب ناپذیرند و از سویی عمدتاً ماهیتی فرا استانی و ملی دارند و از یک روند خاص در کل کشور اثرپذیرند. به طور کلی، نتایج تحقیق بیانگر این است که بیشترین مسائل به ترتیب؛ حول نهادهای اقتصادی، خانواده و سپس سیاست و نظام اداری و نیز حوزه اجتماعی - فرهنگ و اجتماعی - اقتصاد قرار دارند. همچنین، بر حسب سطوح تحلیل نیز مسائل سطح کلان، بیشترین و مسائل منطقه‌ای یا عمدتاً خاص در استان

کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج تحقیق همچنین نشان می‌دهند که بر حسب سطوح تحلیل، مسائل اجتماعی سطح کلان و سپس مسائل میانی - نهادی (مرتبط با کارویژه‌های نهادهای اجتماعی) بیشترین درصد و مسائل میانی - منطقه‌ای (محلی و جغرافیایی) کمترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. چنانکه دیدیم، برخی از مسائل مطرح شده در سطح میانه، مرتبط با کارکردهای نهادهای اجتماعی هستند. چنانکه، می‌توان نزاع‌های جمعی و سطح پایین مدارای اجتماعی را محصول کژکارکردی نهادهای اجتماعی آموزشگری، نظیر خانواده و آموزش دانست و فقدان اعتماد نهادی، بی‌تفاوتی اجتماعی، رابطه‌گرایی و احساس تبعیض و بی‌عدالتی را پژواک پر طنین سوء‌کارکرد نهادهای ثانویه رسمی و بطور خاص نظام حکمرانی تلقی کرد که البته هر مورد از این مسائل، نیازمند تحقیق منفرد و تبیین جداگانه است. هر کدام از این آسیب‌های اجتماعی نظیر خودکشی، رشد فزاینده‌ی طلاق، نزاع‌های جمعی، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، نازل بودن اعتماد نهادی، هنجارشکنی، رابطه‌گرایی، بی‌تفاوتی اجتماعی به تنهایی یا در تعامل هم‌افزایانه با همدیگر، عامل خطر و در هم کوبنده‌ی توان نهادهای اجتماعی هستند و پیامدهای مسئله‌ساز دیگری نیز به همراه دارند. منشاء فردگرایی منفی، خودخواهانه و منفعت طلبانه‌ی مورد اشاره در بین اولویت‌های پانزده‌گانه را بایستی در پیوند با شرایط آنومیک مدنظر دورکیم در جریان گذار جامعه، معنکاوای نمود که به دلیل دراز دامن بودن، وقفه‌آمیزی و تعلیق یافتگی گاه و بیگاه فرایند گذار از سنتی به مدرن، تداوم شرایط آنومیک را در پی داشته و زمینه‌ی مسئله‌مند شدن دائمی وضعیت جامعه را در بطن خود می‌پروراند. همچنین، خشم خیابانی که مناسب‌ترین گزینه‌ی گویا و روان‌شناختی برای نام‌گذاری نزاع‌های بین فردی، خیابانی، رفتارهای وندالیستی و اوباشی‌گرایانه به نظر می‌آید، احتمالاً برآیند احساس تبعیض، فقر، بیکاری و محنت برخاسته از تنگناهای معیشتی و ناتوانی نهادهای اجتماعی انتظام بخش است و این دو سطح اخیر به نوعی می‌توانند مرتبط با ضعف مدیریت امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در استان باشند.

آنچه می‌توان به عنوان نتیجه‌ی کلی تحقیق بیان نمود، این است که هر کدام

از تحقیقات انجام گرفته در استان در طی دو دهه‌ی اخیر بر گونه‌ای خاص از آسیب‌های اجتماعی تمرکز نموده و نتایج این تحقیق نیز گویای پرمسئله بودن استان است و در تبیین آن می‌توان گفت، در طول دوران معاصر به دلایل کوچکی سطح جغرافیایی، کمی جمعیت و حجم اندک اقتصاد کشاورزی و به طور کلی، موقعیت حاشیه‌ای استان ایلام در نزد مراکز قدرت، آن را در مرکز هیچگونه توجهی از جانب حکومت قرار نمی‌داده است و از نظر تقسیمات کشوری تا سال ۱۳۴۳ جزیی از استان کرمانشاه بوده است تا اینکه در دهه‌ی ۱۳۴۰ بنا به دلایل نظامی، اداری و سیاستی به فرمانداری کل و سپس در سال ۱۳۵۳ به استان ارتقاء می‌یابد. استان ایلام تا ابتدای قرن چهاردهم، تنها دارای یک نقطه‌ی شهری بوده است که از دوره‌ی پیشا سرمایه‌داری وجود داشته و تا مدتهای مدیدی رشد جمعیت آن، تنها ناشی از تحولات درونی ساختار جمعیت شهر بوده است. آغاز روند نوسازی در دوره رضاشاه و سرکوب و تحمیل یکجانشینی بر عشایر و تأسیس نظام اداری در منطقه، منجر به رونق اندکی در گسترش نظام شهری استان و شکل‌گیری نقاط جدید شهری بدون طی کردن پروسه‌ی نظام چادرنشینی - روستانشینی و شهرنشینی در فرایندی معقول می‌شود. سیاست تجدد آمرانه‌ی رضاشاه، به سرعت و بدون هرگونه درنگ لازم برای انطباق لازم با فضای جدید اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، فضای سنتی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران و از جمله ایلام را تغییر داد. سیاست متمرکز سازی قاطعانه و تخته قاپو کردن عشایر، پیامدهای سنگینی برای مردم استان داشت، زیرا روند مدرنیزاسیون از سویی در تعارض و جدال با ساخت تنومند سنت‌ها و هنجارهای پیشامدرن قرار داشت. کما اینکه، کارگزاران آن نیز سازماندهی دیوان‌سالاری جدید را بر مناسبات سنتی پیشامدرن ابتناء نموده و هنجارهای سنتی با سخت‌جانی در مناسبات جدید نیز رسوخ نموده و ماندگار شدند. چنانکه سوزوکی^۱ جامعه‌شناس ژاپنی نیز بر آن بود که در حالی که مدرن شدن جوامع غربی در فرایندی رخ داده است که طی آن

«سنت به نفع مدرنیسم نبود شد. پس از آن نیز مدرنیسمیون^۱ به معنای نابودی سنن و ایجاد جامعه‌ای با ایده‌های نوین قلمداد شد. اما در قاره آسیا سعی بر این بوده است که جامعه‌ای جدید ساخته شود که مدرنیسمیون و سنت دوشادوش یکدیگر حضور داشته باشند» (معیدفر، ۱۳۹۴) که همزمانی این حضور دوگانه‌ی سنت - مدرن و حفظ کارکردهای سنت در کنار تمایزات ساختاری ناشی از مدرنیسمیون، تعارضات و مناقشه‌های فراوان و تناقضات مؤثری در سطوح مختلف اجتماعی و فرهنگی این جوامع را به ارمغان آورده است (اتابکی، ۱۳۸۵)، به نحوی که این امر تاکنون همراه با آسیب‌ها و پیامدهایی در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و روان‌شناختی برای جامعه و فرد بوده است و بخشی از پر مسئله بودن و آسیب‌زا بودن روندهای جاری در مناطق مختلف کشور و از جمله در ایلام نشان از چنین وضعیتی دارد.

در دوره پهلوی دوم هم جامعه‌ی ایرانی در معرض یک برنامه‌ی مدرنیسمیون دولتی قرار می‌گیرد و روابط اقتصادی، نهادهای اجتماعی و قالب‌های فرهنگی کشور از آن متأثر می‌شوند. اصلاحات ارضی، ساختار روستایی را بر هم می‌زند و مهاجرت عظیم جمعیت روستایی، شکل زندگی شهری را متحول می‌کند. ساختارهای اجتماعی سنتی از قبیل خانواده، نهادهای دینی و ... همگی در معرض تحول و تغییر قرار گرفته و به خاطر مقاومت در مقابل مدرنیسمیون تشوهای شدیدی را از سر می‌گذرانند ... تحول در ساختار سیاسی مشمول مدرنیسمیون قرار نمی‌گیرد و به فرهنگ واقعی نهاده نمی‌شود (میرسپاسی، ۱۳۹۳). لذا بدلیل انجام اصلاحات ارضی در زمان پهلوی دوم و فروپاشی مناسبات سنتی روستا و گسترش سازمان‌های اداری در مناطق شهری و شکل‌گیری نوعی اقتصاد خدماتی و تجاری، شاهد مهاجرت روستاییان به مناطق شهری استان بویژه به شهر ایلام بوده که همراه با آسیب‌های متعددی بوده است. علاوه بر موارد بالا، مرزی بودن، تجربه‌ی خسارت‌های سنگین اقتصادی، امنیتی و جابه‌جایی جمعیتی ناشی از جنگ ۸ ساله عراق علیه ایران و بازسازی ناقص و نامیشی مناطق جنگ‌زده‌ی استان از

سویی و تبعیض ناشی از توزیع نامناسب و نامتناسب امکانات بین استانها و تداوم محرومیت استان را می‌توان به عنوان دلایل پر مسئله بودن استان ذکر نمود. به طور کلی، به دلیل عجین شدن تمامی عرصه‌های زندگی با سیاست، ریشه‌ی بیشتر مسائل اجتماعی کنونی را می‌توان در عملکردهای نظام سیاسی، اداری و برنامه‌ریزی جستجو کرد و نقش نظام سیاسی از طریق برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در طول هفت دهه‌ی گذشته (پیش و پس از انقلاب)، در جهت‌گیری‌های جامعه قابل مشاهده است، زیرا دولت به عنوان مسلط‌ترین و متنفذترین نهاد اجتماعی تصمیم‌ساز و مجری برنامه‌های توسعه، بیشتر اوقات به واسطه‌ی تأکید نابجا بر و ناصحیح در حوزه‌های خاص، در زمینه‌ی شناخت اولویت‌های سیاست‌گذاری و نحوه‌ی حل مسائل اجتماعی خودش نیز دچار گونه‌هایی از «ناتوانی نهادی» است، زیرا عمدتاً با تصمیم‌سازی‌های جانبدارانه یا اجرای مستمر و اصرارگونه‌ی تصمیمات و برنامه‌هایی که ناکارآمدی و ناراست کاری آنها، بر متخصصان هویدا بوده و به تبع آن همواره به بروز و ظهور مسائل جدید و نیز گستره و شدت آسیب‌زایی مسائل اجتماعی افزوده است و جامعه را با ناتوانی مواجه می‌نماید. چنانکه (فیض‌اللهی، معیدفر، دانش، & ملکی، ۱۳۹۹) نیز نشان داده‌اند، عدم تعادل نهادی موجود در ایران محصول اجبارهای مدرنیزاسیون، یکه‌تازی نهاد سیاست و اقتصاد دولتی است که نتیجه‌ی آن شکاف طبقاتی، فقر و نابرابری اجتماعی است. آسیب‌ها و مسائل اجتماعی از قبیل بیکاری، جرائم خشونت‌بار، بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی اجتماعی نشان از ناکارآمدی نهادهای اجماع‌ساز دارد که خود را در قالب مسائل گوناگونی در مناطق مختلف بروز می‌دهد.

دست‌آورد روش‌شناختی این پژوهش دستیابی به معیارهای جدیدی، افزون بر معیارهای سابق در زمینه‌ی مسئله‌یابی و اولویت‌بندی مسئله‌ی اجتماعی است که در جریان مراحل اجرای دلفی توسط صاحب‌نظران برگزیده، معرفی شده و در هر مرحله با برگزیدن دسته‌ای از آن معیارها، به اولویت‌بندی مسائل اجتماعی مبادرت شده است که در یافته‌های این مقاله مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

از جمله محدودیت‌های خاص پژوهش حاضر، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

اولاً از آنجایی که غالب داده‌های گردآوری شده برای تحلیل در این تحقیق، داده‌های حاصل از بر ساخت گرایبی و محصول تأملات و نظرات متخصصان و مطلعین کلیدی است، لذا محقق اذعان دارد که اشکالات و انتقادات وارد بر داده‌هایی از این دست بر این داده‌ها نیز وارد است و برای رفع چنین مطلبی، سعی شده است با بررسی تحقیقات پیشین، میزان همپوشانی این مسائل نشان داده شود تا به واقعیت نزدیک‌تر شود.

ثانیاً، جلب نظر متخصصان به همکاری و نیز حفظ همکاری آنان با محققان تا پایان مرحله‌ی نهایی تحقیق، از نظر هماهنگی، پیگیری، دریافت واکنش و پاسخ‌ها در هر مرحله و سپس استخراج، دسته‌بندی و کدگذاری و ... طاقت فرسا و زمان‌بر بوده است. علاوه بر آن، افت جمعیت دلفی در مراحل اجرای دلفی نیز قابل ذکر است که سه نفر از اعضای دلفی به دلیل بروز پاندمی کرونا همکاری مناسب را نداشتند که از جریان مطالعه کنار نهاده شدند.

پیشنهادات

۱- نتایج پژوهش نشان داد که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی موجود در جامعه‌ی مورد مطالعه، توزیع نابرابر فرصت‌ها و مزایای اجتماعی منجر به نادیده انگاشتن استعدادها و فرصت‌ها می‌شود. بنابراین با وضع قوانین مناسب و عملیاتی نمودن آنها، در توزیع مزایا و فرصت‌ها، عدالت را لحاظ نموده و با متناسب نمودن حقوق، درآمدها و اصلاح سیاست‌گذاری عمومی در حوزه رفاه اجتماعی، به کاهش فقر و نابرابری در جامعه کمک کرد.

۲- از جمله عوامل مسئله‌ساز در جامعه‌ی مورد پژوهش، خویشاوندگرایی اجتماعی و قبیله‌گزینی سیاسی است. رویکردهای تبارگرایانه، به عنوان بستری برای هنجاری شدن رابطه‌گرایی، عرفی شدن پارتی بازی و قبیله‌گزینی سیاسی عمل می‌کند. تقویت رفتارهای عام‌گرایانه و حس شهروندی، اصلاح روند اجرایی پدیده‌هایی چون انتخابات و ...، راهکارهایی مناسب بنظر می‌رسند. همچنین،

غلظت تعصبات قومی و زبانی محصول توزیع نامتناسب اقتدار، فرصت‌های تحرک اجتماعی نظیر استخدام در دستگاه‌های اداری و کم توجهی به امر شایسته سالاری است که لازم است فرصت‌های تحرک اجتماعی اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عادلانه توزیع شده تا نقش اقتدار قبیله‌ای، قوم‌گرایی، پارتی بازی و ...، کم رنگ شود.

۳- تحلیل نتایج نشان می‌دهد که برخی از نهادهای اجتماعی، برای برآورده ساختن اقتضائات حیات روزمره تحت فشارند و استحکام آنها در حال فرسایش است. لذا یک راه‌حل برای اصلاح این روند، تقویت نهادهای غیراقتصادی برای رسیدن به تعادل مجدد است که البته نیازمند تحقیق مستقلی است.

۴- ارائه بسته‌ی سیاستی واحد و پیشنهادات اجرایی برای پانزده مسئله‌ی اجتماعی متفاوت از نظر سطح تحلیل، گستره‌ی شیوع، حوزه‌ی تخصصی و سازمانی بسی دشوار و حتی غیر منطقی است، لذا پیشنهاد می‌شود مدیریت کلان استان، این مسائل متنوع را به صورت موضوعات منفرد یا خوشه‌های هم‌سنخ از طریق تحقیق کیفی به روش گروه‌های کانونی، دلفی یا روش کیو در معرض پژوهش و بحث بنهند.

پی‌نوشت‌ها

۱. محل شکل‌گیری آن در دانشگاه هاروارد بود و بر ساختارهای کلان تمرکز داشتند و ریشه‌های آن در نظریه‌های دورکیم قرار دارد.
۲. این دیدگاه هم ریشه در نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز و دانشگاه هاروارد دارد و هم در تحلیل فرایند اجتماعی دانشگاه شیکاگو و در اصل بسیاری از نظریه‌های آن تلفیقی از این دو هستند.
۳. تلفیقی از نظریه‌های تضاد اروپایی (مارکس و زیمل) و امریکایی (فرانک) است.
۴. ریشه در دانشگاه شیکاگو دارد، نام‌های دیگر این دیدگاه، برجسب زنی و انگ زنی است.
۵. برساخت‌گرایی در اصل دو رویکرد دارد: یک رویکرد آن که حول محور تعریف ذهنی مسئله تمرکز دارد، «برساخت‌گرایی مطلق (افراطی)» و رویکرد دیگر آن که داده‌های شرایط عینی را نیز به کار می‌برد، «برساخت‌گرایی متنی» نام دارد و در این تحقیق تا حدودی بر برساخت‌گرایی متنی تأکید شده است.
۶. در این تحقیق، ابتدا از طریق اعضای دلفی ۱۸ معیار برای مسئله‌یابی در جامعه‌شناسی شناسایی شد و در مرحله دوم به ۸ و در مرحله سوم به ۳ معیار برای اولویت‌بندی مسائل تقلیل یافتند که موضوع مقاله‌ی دیگری است که در حال داوری است و این مؤلفه‌ها در شرح ذیل جداول ۳ تا ۵ همین مقاله مورد اشاره قرار گرفته‌اند.
۷. خودکشی نظیر اعتیاد می‌تواند در سطح کلان نیز قرار گیرد، اما بدلیل صدرنشینی استان ایلام در زمینه‌ی خودکشی و تأکید تحقیقات بر ارتباط داشتن آن با نهاد خانواده و سنت‌های محلی، در سطح میانه / نهادی قرار داده شده است.
۸. برخی آسیب‌ها نظیر پارتی بازی در دو سطح خرد و نهادی قرار می‌گیرند که سعی شده در محتمل‌ترین سطح قرار داده شوند.
۹. پاسخگویان میزان شیوع این مسائل و آسیب‌ها را بالاتر از متوسط تا خیلی زیاد دانسته‌اند.

منابع و ماخذ

- اتابکی، تورج. (۱۳۸۵). تجدد آمرانه: جامعه و دولت در عصر رضاشاه. تهران: ققنوس.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۶). **اهمیت مسائل اجتماعی**. مرکز بررسیهای استراتژیک ریاست جمهوری.
- جمشیدزاده، فرخ‌لقا، رفیعی، حسن، یاسمی، محمدتقی، رحیمی، سینا، & اعظم، کمال. (۱۳۸۳). روند خودکشی و اقدام به خودکشی در استان ایلام از ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰. **مجله رفاه اجتماعی**, ۱۲(۳), ۳۲۵-۳۴۶.
- حبیبی، یدالله، عبوضی، یاور، & معظمی‌گودرزی، ابراهیم. (۱۳۹۶). مسئله فرهنگی و مسئله‌شناسی فرهنگی ایران (در دیدگاه نخبگان دانشگاهی و حوزوی داخلی). **مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی**, ۷(۴), ۵۲۵-۵۵۰.
- دانش، پروانه، فیض‌اللهی، علی، & حیدری، سعیده. (۱۳۹۴). وضعیت مصرف و توزیع مصرف‌کنندگان مواد مخدر در شهرستان ایلام. **فصلنامه علمی ترویجی فرهنگ ایلام**, ۱۵(۴۲-۴۳), ۱۶۶-۱۸۱.
- دورکیم، امیل. (۱۳۶۹). درباره تقسیم کار اجتماعی. (باقر، پرهام، مترجم) بابل: کتابسرای بابل.
- رایینگتن، ارل، & واینبرگ، مارتین. (۱۳۸۳). **رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی**. (ر. ص. سروستانی، مترجم) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رفیعی، حسن، مدنی قهفرخی، سعید، & وامقی، مروثه. (۱۳۸۷). مشکلات اجتماعی در اولویت ایران. **مجله جامعه‌شناسی ایران**, ۹(۱-۲), ۱۸۴-۲۰۸.
- زارع، بیژن، & زندی لک، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). مطالعه رابطه سطح توسعه یافتگی اقتصادی - اجتماعی با میزان جرائم خشن در بین استانها. **مجله مطالعات اجتماعی ایران**, ۵(۳), ۹۷-۱۲۵.
- سازمان ثبت احوال کشور. (۱۳۹۳). **سالنامه آماری جمعیت و مهاجرت**. تهران: دفتر جمعیت سازمان ثبت احوال کشور.
- سفیری، خدیجه، & رضایی‌نسب، زهرا. (۱۳۹۵). مطالعه‌ای کیفی از پدیده خودسوزی زنان شهر ایلام. **مجله زن و جامعه**, ۷(۱), ۱۲۳-۱۴۱.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۹۰). **آسیبهای اجتماعی و روند تحول آن در ایران** (جلد جلد

- اول). تهران: نشر آگه.
- فیض‌اللهی، علی. (۱۳۸۹). **فراتحلیل تحقیقات خودکشی در استان ایلام**. ایلام: دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان ایلام.
- فیض‌اللهی، علی، & باپیری، امیدعلی. (۱۳۹۳). **مکان یابی اعتیاد در استان ایلام**. ایلام: معاونت فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی استان ایلام.
- فیض‌اللهی، علی، & بخارایی، احمد. (۱۳۹۷). **برساخت و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی استان در ویلاگهای تخصیص‌کرده های ایلام**. *مجله مسائل اجتماعی ایران*، ۹(۲)، ۱۷۵-۱۵۹.
- فیض‌اللهی، علی، معیدفر، سعید، دانش، پروانه، & ملکی، امیر. (۱۳۹۹). **آزمون تجربی رابطه‌ی آنومی نهادی و جرائم خشونت‌آمیز در ایران**. *دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناختی معاصر*، ۹(۱۶)، ۲۶۱-۲۸۶.
- قاسمی، یارمحمد، & کمربگی، خلیل. (۱۳۹۶). **بازسازی معنایی نزاع بین فردی در میان محکومان نزاع**. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۱(۲)، ۹۸-۱۱۹.
- قدیری، روح‌الله، & ناظمی، امیر. (۱۳۸۵). **آینده نگاری از مفهوم تا اجرا**. تهران: مرکز صنایع نوین ایران.
- کاظمی، ابوطالب، & محمودی، علی. (۱۳۹۵). **بررسی وضعیت اشتغال در استان ایلام و تاثیر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر آن**. ایلام: اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان ایلام.
- لوزیک، دانیلین. (۱۳۸۳). **نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی**. (سعید. معیدفر، مترجم) تهران: امیرکبیر.
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۵). **عمده‌ترین مسائل کشور: اولیتهای و راهبردهای مجلس شورای اسلامی دوره دهم**. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۳). **سالنامه آماری**. تهران: دفتر سرشماری جمعیت و نیروی انسانی مرکز آمار ایران.
- معتمدی، سیدهادی. (۱۳۸۶). **اولویت‌بندی آسیبها و مسائل اجتماعی در ایران**. *فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۶(۲۴)، ۳۲۷-۳۴۷.
- معیدفر، سعید. (۱۳۹۴). **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران**. تهران: نشر نور علم.
- موسی‌نژاد، علی، & باپیری، امیدعلی. (۱۳۹۰). **مکان یابی خودکشی در ایلام**. ایلام: سازمان ملی جوانان استان ایلام.
- میرسپاسی، علی. (۱۳۹۳). **تاملی در مدرنیته ایرانی: بحثی در باره گفتمان‌های روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران**. تهران: نشر ثالث.
- نایی، هوشنگ، & لطفی‌خاچکی، بهنام. (۱۳۹۴). **تاثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور**. *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۱)۶، ۱-۲۶.

- وزارت کشور. (۱۳۹۴). *پیمایش سنجش سرمایه اجتماعی کشور: استان ایلام*. تهران: مرکز ملی رصد اجتماعی: وزارت کشور.
- یوسفوند، حسن‌رضا، احمدی، یعقوب، محسنی تبریزی، علیرضا، & ابوالحسنی، اصغر. (۱۳۹۴). تبیین رابطه جرائم خشونت آمیز با تاکید بر نابرابری در توسعه اجتماعی - اقتصادی در ایران. *مجله توسعه اجتماعی*, ۹(۳), ۱۹۵-۲۲۳.
- یوسفی، علی، & اکبری، حسین. (۱۳۹۰). تأملی جامعه‌شناختی در تشخیص و تعیین اولویت مسائل اجتماعی ایران. *مجله مسائل اجتماعی ایران*, ۲(۱), ۱۹۵-۲۲۳.

- Best, J. (2017). *Social Problems* (3 ed.). NY: W. W. Norton & Company, Inc.
- Eitzen, D. S., Zinn, M. B., & Smith, K. E. (2012). *Social Problems*. Pearson Education Inc.
- Horsfall, S. T. (2018). *Social Problems: An Advocate Groupe Approach*. Routledge.
- Kendall, D. E. (2018). *Social problems in a diverse society* (6 ed.). Pearson Publication.
- Macionis, J. J. (2012). *Social Problems* (4 ed.). Pearson Education Inc.
- Mills, C. W. (2000). *The Sociological Imagination*. New York: Oxford university press.
- Mooney, L. A., Knox, D., & Schacht, C. (2016). *Undrestanding Social Problems*. Cengage Learning.
- Parillo, V. N. (2005). *Contemporary Social Problems* . Pearson Educational Inc.
- Rowe, G., & Wright, G. (1999). The Delphi technique as a forecasting tool: issues and analysis. *International Journal of Forecasting*, 15(1), 353-375.
- Rowmire, A. (2001). *Social Problems in Africa: New Versions*. Westport Conn: Praeger.
- Story, V., Hurdley, L., Smith, G., & Saker, J. (2000). Methodological and practical implications of the Delphi technique in marketing decision - making: a re-assessment. *The Marketing Review*, 1(4), 487-504.

References

- Abdollahi, M.(2014). Social harms and its evolution trend in Iran. Proceedings of the Conference on Social Injuries in Iran, Volume I, Tehran: Agah Publishing.
- Atabaki, T.(2006). Men of order: Authoritarian Modernization. trans. by Haghhighatkah, M., Tehran, ghoghnos publication, (In Persian).
- Best, J. (2017). *Social Problems* (3 ed.). NY: W. W. Norton & Company, Inc.
- Civil Registration Organization (2014). Statistical Yearbook of Population and Immigration. Tehran, Population Office, (In Persian).
- Danesh, P., Feizolahi, A. & Heidari, S. (2015). epidemiological feature of addiction in Ilam, fasnameh farhange ilam, 15(42-43), 166-11. (In Persian).
- Durkheim, E.(1990). social division of labour. trans. by Bagher Parham, Babol, Babol bookstore publication, (In Persian).
- Eitzen, D. S., Zinn, M. B. & Smith, K. E. (2012). *Social Problems*: Pearson Education, Inc.
- Horsfall, S. T. (2018). *Social Problems: An Advocate Groupe Approach*. Routledge.
- Feizolahi, A. and Bukharaee, A. (2018). construct and prioritize of social problems in Ilam educated blogs. Iranian Journal of Social problems, 9 (2), 159-175.
- Feizolahi, A. (2000). Meta-analysis of suicide research in Ilam province. Ilam: Proceedings of the National Suicide Conference, Applied Research Office of the Ilam Police Force.
- Feizolahi, A. and Bapiri, O. A. (2014). addiction's gis in Ilam province. Ilam: Cultural and Prevention Deputy of Ilam behzisti Organization.
- Feizolahi, A., Moeidfar, S., Danesh, P. and Maleki, A. (2020). Experimental

- test of the relationship between institutional anomie and violent crime in Iran. *Journal of contemporary of Socological researchs*, 9 (16), 261-286.
- Ghadiri, R. and Nazemi, A. (2006). *Futurism from concept to implementation*. Tehran, Iran New Industries Center.
- Ghasemi, Y. & Kamarbigi, Kh. (2018). Semantic reconstruction of interpersonal conflict among convicts of conflict. *Iranian Journal of Social Studies*, 11 (2), 98-11.
- Habibi, Y., Ayyazi, Y. & Moazamigoodarzi, E. (2018). Cultural problem and Cultural Problemology in Iran(in view of havze and academicians elites. *Culture in The Islamic University*, 25(7), 525-550,(In Persian).
- Islamic Consultative Assembly (2015). *The main issues of the country: Priorities and strategies of the Islamic Consultative Assembly of the tenth term*. Tehran: Islamic Consultative Assembly Research Center Publications.
- Jamshidzadeh, F., Rafiei, H., Yassemi, M., Rahimi, S. & Azam, K.(2004). suicide and suicidal attempt trend 1373 until 1380 in Ilam province from. *refahe ejtemaei magazine*, 12(3), 325-346.(In Persian).
- Kendall, D. E. (2018). *Social problems in a diverse society* (6 ed.). Pearson Publication.
- Loseke, D.(2004). *A new approach to the analysis of social problems*. translated by Saeid Moeidfar, Tehran: Amirkabir.
- Macionis, J. J. . (2012). *Social Problems* (4th ed.): Pearson Education, Inc.
- Mahmoudi, A. and Kazemi, A. (2015). Investigating the employment situation in Ilam province and the impact of the components of the resistance economy on it Ilam: General Department of Economic Affairs and Finance of Ilam province.
- Mills, C. W. . (2000). *The Sociological Imagination*: New York, Oxford university press (original, 1959).
- Ministry of Interior (2015). *Measuring the social capital of the country: Ilam province*. Tehran, National Center for Social Monitoring.
- Mirsepasi, A. (2014). *negotiating modernity in Iran: Intellectual Discourses and the Politics of Modernization in Iran*. Translated by Jalal Tavaklian, Tehran, Third Edition, Second Edition.
- Moeidfar, S. (2015). *Sociology of Iranian social problems*. Tehran: Noor elam Publications, second edition.

- Mooney, Linda A, Knox, David, & Schacht, Caroline. (2016). *Understanding social problems*: Cengage learning.
- Naiebi, H. and Lotfi Khachki, B. (2015). The effect of kinship relations on the rate of social harms in the provinces of the country. A Study of Social problems in Iran, 6 (1), 1-26.
- Parrillo, V. N. (2005). *Contemporary Social Problems* (6 ed.): Pearson Education, Inc.
- Rafiei, H., Madanighahfarokhi, S. & Vameqi, M.(2009) the prioritization of Social problems in Iran. Iranian Sociological journal, 9(12), 151-160. (in persian).
- Rowe, & Wright) .1999 .(The Delphi technique as a forecasting tool: issues and analysis. *International journal of forecasting*, 15(4), 353-375.
- Rubington, E.& Weinberg, M.(2004) the study of social problems.translated by Rahmatollah Sediq Sarvestani, 2th edition, Tehran university publication, (In Persian).
- Rwomire, A . (2001).) *Social Problems in Africa: New Visions*: Westport, Conn: Praeger.
- Safiri, Kh. and Rezaei Nasab, Z. (2015). A qualitative study of the phenomenon of self-immolation of women in Ilam. *Journal of Women and Society (Women's Sociology)*, 7 (1), 141-123.
- Statistics Center of Iran (2014). *Statistical Yearbook. Population and Manpower Census Office*.
- Story, Victoria, Hurdley, Louise, Smith ,Gareth, & Saker, James %J *The Marketing Review*. (2000). Methodological and practical implications of the Delphi technique in marketing decision-making: a re-assessment. 1(4), 487-504.
- Yousefi, A. and Akbari, H. (2011). Sociological reflection on identifying and prioritizing Iranian social issues. *Social Issues of Iran*, 2 (1), 195-223.
- Yousefvand, H. R., Ahmadi, Y., Mohseni Tabrizi, A. and Abolhassani, M. (2015). Explain the relationship between violent crime (murder) and the emphasis on inequality in socio-economic development in Iran. *Journal of Social Development*, 9 (3), 140-115.
- Zare, B. & Zandi, a. (2011). study of ralationship between economical and social development with violent crimes among provinces in Iran. *Iranian social studies magazine*, 5(3), 97-125, (In Persian).